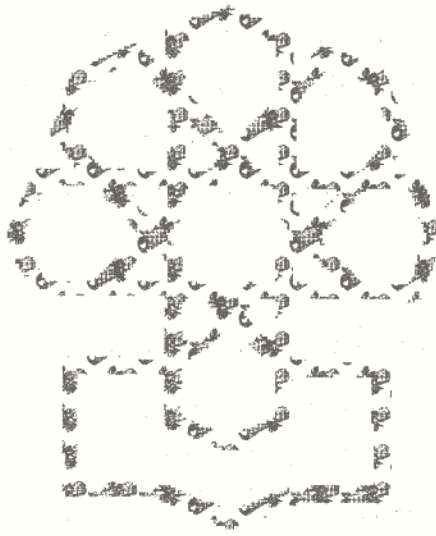




گزارش کارشناسی پیرامون

طرح تثبیت قیمت‌ها و تشدید مجازات محتکران و گرانفروشان



معاونت پژوهشی

تیرماه ۱۳۷۵

کار: دفتر بررسی‌های حقوقی

کد گذرشن: ۱۹۰۱۵۰۰

طرح تثبیت قیمت‌ها و تشدید مجازات محتکران و گرانفروشان

عنوان طرح

شماره ترتیب چاپ: ۲۳

شماره چاپ سابقه: —

شماره دفتر ثبت: ۱۹

تاریخ چاپ: ۱۳۷۵/۴/۱۱

۱- کمیسیون‌های ارجاعی و امور قضایی و حقوقی

۲- امور اقتصاد و دارایی و تعاون

۳- امور صنایع و معادن

مشخصات طرح

کتابخانه و واحد اسناد و اطلاع‌رسانی مجلس شورای اسلامی

شماره: ۷۴۵۹

تاریخ: ۷۶/۱۱/۱۳

درباره طرح تثبیت قیمتها و تشدید مجازات محترکان و گرانفروشان

کد گزارش: ۱۹۰۱۵۰۰

۱- مقدمه

الف - هدف از ارائه طرح

عنایت به مسئله گرانی و تورم لجام گسیخته که در حال حاضر یکی از مهمترین معضلات کنونی جامعه اسلامی می باشد و نیز عدم نظارت و کنترل قیمتها که باعث ضربه پذیری اقشار آسیب پذیر جامعه خصوصاً صاحبان اصلی انقلاب یعنی مستضعفین و محرومین می گردد از یک سو و توجه و عنایت به فرمایشات مقام معظم رهبری که فرمودند مجلس هر چه سریعتر کار اصلی خود را آغاز نماید از جمله دلایلی است که در توجیه طرح حاضر مطرح گردیده است. همچنین اینکه جامعه اسلامی چشم امید به مجلس پنجم دارد تا حمایت از اقشار آسیب پذیر را در سرلوحه کار خود قرار دهد موجب گردیده تا طرح حاضر تقدیم گردد.

ب - سابقه قانونگذاری

سابق بر این قوانین و مقررات عدیده ای در جهت تثبیت قیمتها و نیز کنترل گرانی و مجازات محترکان و گرانفروشان به تصویب رسیده بود که متعاقباً به پاره ای از آنها اشاره می شود.

۱- در ۱۳۶۷/۱/۲۳ قانونی تحت عنوان «قانون تشدید مجازات محترکان و گرانفروشان» در هفت ماده به تصویب رسید که در ماده اول آن به تعریف احتکار و گرانفروشی پرداخته و طی مواد آتی مصادیق گرانفروشی و احتکار را برشمرده و مجازات هر یک را احصاء نموده است. بند «الف» ماده یک قانون مزبور در تعریف احتکار اشعار می دارد «احتکار عبارتست از جمع و نگهداری ارزاق مورد نیاز و ضروری عامه مردم (گندم، جو، کشمش، خرما، روغن حیوانی و نباتی) به قصد افزایش قیمت» و همچنین ماده دوم این قانون در خصوص تعزیر محترکان اشعار می دارد: «هر کس مواد غذایی موضوع بند الف ماده یک را احتکار نماید محترک محسوب شده و با رعایت امکانات و شرایط خاطی و دفعات و مراتب جرم و مراتب تادیب به مجازات از دو برابر تا ده برابر قیمت کالای احتکار شده و شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم می گردد.»

۲- متعاقباً با توجه به اینکه قانون تشدید مجازات محترکان و گرانفروشان سال شصت و هفت پاسخگوی مشکلات جامعه نبوده و اقلام عمده احتکار را شامل نمی شد و اینکه قانون مزبور صرفاً ناظر بر احتکار و گرانفروشی بوده و نسبت به معضلات دیگر موجود در فعالیتهای اقتصادی و ضوابط توزیع از قبیل کم فروشی و تقلب، عرضه کالا خارج از شبکه تعیین شده، عدم درج قیمت و عدم صدور فاکتور و ... یا اجمال و یا سکوت اختیار کرده بود و از سوی دیگر با وجود پاره ای از ابهامات در خصوص مصادیق احتکار در شرع انور و نهایتاً با توجه به ضرورت نظارت و کنترل دولت بر فعالیتهای اقتصادی و لزوم اجرای مقررات قیمتگذاری و ضوابط توزیع، قانون تعزیرات حکومتی در شش فصل و پنجاه و شش ماده در مورخ ۶۷/۱۲/۲۳ (یعنی ظرف مدت کمتر از یک سال از تصویب قانون اول) به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسید. این قانون در فصل اول خود به تفصیل تخلفات و تعزیرات مربوطه را برشمرده است که عبارتند

از: گرانفروشی، کم فروشی و تقلب، احتکار، عرضه خارج از شبکه، عدم درج قیمت، اخفاء و امتناع از عرضه کالا، عدم صدور فاکتور، عدم اجرای ضوابط قیمتگذاری و توزیع، عدم اجرای تعهدات واردکنندگان در قبال دریافت ارز و خدمات دولتی، عدم اجرای تعهدات تولیدکنندگان در قبال دریافت ارز و خدمات دولتی، نداشتن پروانه کسب واحدهای صنفی، نداشتن پروانه بهره‌برداری واحدهای تولیدی، فروش ارزی، ریالی، فروش اجباری، عدم اعلام موجودی کالا.

در فصل دوم این قانون تخلفات بخش دولتی احصاء گردیده است. ماده ۱۸ این قانون در این خصوص اشعار می‌دارد: «در صورتی که تخلفات فصل اول در وزارتخانه‌ها و شرکتها و مؤسسات دولتی و تحت پوشش دولت و نهادهای انقلاب اسلامی و ملی شده واقع شود تعزیرات مربوطه به شرح زیر خواهد بود...».

در فصل بعدی قانون مذکور نیز به ترتیب موادی راجع به تشکیلات تعزیرات حکومتی بخش دولتی، تشکیلات تعزیرات حکومتی بخش غیر دولتی و سایر موارد آورده شده است.

۳- در ۱۳۶۸/۱۱/۲۹ نیز در پی رسیدگی به معضلات اقتصادی و اخلالگران اقتصادی و احتکار و گرانفروشی، قانونی تحت عنوان «قانون شمول اجرای قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی در مورد ثروتهای ناشی از احتکار و گرانفروشی و قاچاق» به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید که به موجب این قانون دادگاههای مربوط به اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی موظف گردیدند که ثروتهای محتکرین و گرانفروشان را مورد بررسی قرار داده و نسبت به ضبط و ثبت ثروتهایی که برخلاف ضوابط کسب گردیده اقدام نمایند. ماده واحده فوق‌الاشاره عنوان می‌دارد: «دادگاههای مربوط به اجرا اصل ۴۹ قانون اساسی موظفند مطابق قانون نحوه اجرا اصل ۴۹ قانون اساسی ثروتهای محتکرین، گرانفروشان، قاچاقچیان را مورد بررسی دقیق قرار داده و نسبت به ضبط و ثبت و اخذ ثروتهایی که برخلاف ضوابط دولت جمهوری اسلامی ایران در اثر احتکار و گرانفروشی و قاچاق کسب گردیده به عنوان مجازات، به نفع دولت جمهوری اسلامی ایران اقدام نمایند».

۴- قانون دیگری که در خصوص موضوع مورد بحث در تاریخ ۱۳۶۹/۹/۱۹ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است قانونی است تحت عنوان «قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور». این قانون در دو ماده و هفت تبصره انواع اخلالگری در نظام اقتصادی کشور را برشمرده و برای هر یک مبادرت به تصریح مجازات نموده است. صدر ماده یک قانون مزبور اعلام می‌دارد: «ار تکاب هر یک از اعمال مذکور در بندهای ذیل جرم محسوب می‌شود و مرتکب به مجازاتهای مقرر در این قانون محکوم می‌شود.

بند (ب) ماده اول این قانون اشعار می‌دارد: «اخلال در امر توزیع مایحتاج عمومی از طریق گرانفروشی کلان ارزاق یا سایر نیازمندیهای عمومی و احتکار عمده ارزاق یا نیازمندیهای مزبور و پیش خرید فراوان تولیدات کشاورزی و سایر تولیدات مورد نیاز عامه و امثال آنها به منظور ایجاد انحصار یا کمبود در عرضه آنها». بند (ج) قانون مذکور نیز اشعار می‌دارد: «اخلال در نظام تولیدی کشور از طریق سوء استفاده عمده از فروش غیر مجاز تجهیزات فنی و مواد اولیه در بازار آزاد یا تخلف از تعهدات مربوط در مورد آن و یارشاء و ارتشاء عمده در امر تولید یا اخذ مجوزهای تولیدی در مواردی که موجب اختلال در سیاستهای تولیدی کشور شود و امثال آنها».

ماده ۲ قانون مزبور در مقام بیان مجازات مذکور در ماده اول تصریح می‌دارد: «هر یک از اعمال

مذکور در بندهای ماده یک چنانچه به قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران و یا به قصد مقابله با آن و یا با علم به مؤثر بودن اقدام در مقابله با نظام مزبور چنانچه در حد فساد فی الارض باشد مرتکب به اعدام و در غیر این صورت به حبس از پنج سال تا بیست سال محکوم می شود و در هر دو صورت دادگاه به عنوان جزای مالی به ضبط کلیه اموالی که از طریق خلاف قانون به دست آمده باشد حکم خواهد داد. دادگاه می تواند علاوه بر جریمه های مالی و حبس، مرتکب را به ۲۰ تا ۷۴ ضربه شلاق در انتظار عمومی محکوم نماید».

۵- به موجب قانون مورخ ۷۳/۸/۱ و در اجرای مصوبه شماره ۳۸۹۰/ق مورخ ۷۳/۷/۲۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام و تصویب نامه شماره ۵۲۰۲-۷۳/م مورخ ۷۳/۷/۲۰ هیئت وزیران، سازمان بازرسی و نظارت بر قیمت و توزیع کالا و خدمات زیر نظر وزیر بازرگانی با هدف بازرسی و نظارت بر قیمت و توزیع کالا و خدمات تشکیل گردید.

ماده ۳ قانون مذکور وظایف و اختیارات این سازمان را به شرح ذیل احصاء نموده است:

«ماده ۳- وظایف و اختیارات:

- ۱- بازرسی و نظارت بر قیمت و توزیع کالا و خدمات مشمول در کلیه بخشها (دولتی، تعاونی و خصوصی و نیز نهادها) اعم از تولیدات و واردات آنها.
- ۲-۳- اعمال نظارت بر اجرای قیمتها در کلیه موارد از قبیل اعلام قیمت های مصوب، صدور فاکتور، نصب برچسب و فروش.
- ۳-۳- تدوین و اجرای روشهای کارآمد بازرسی و نظارت متناسب با نوع کالا و خدمات.
- ۴-۳- نظارت بر برنامه تولید و شبکه توزیع کالا و خدمات شمول واحدهای تولیدی.
- ۵-۳- نظارت بر حسن اجرای ضوابط و مقررات توزیع کالا و خدمات.
- ۶-۳- اخذ اطلاعات و آمار از کلیه واحدهای تولیدی، توزیعی و واردکنندگان کالا و خدمات شمول اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی.
- ۷-۳- دریافت شکایات و بازرسی تخلفات مربوط به قیمت و توزیع کالاهای تولیدی و وارداتی و نیز خدمات.

۸-۳- تعیین اولویت نظارت و بازرسی به ویژه در برخورد با متخلفان.

۹-۳- تنظیم گزارش تخلفات و اعلام آن به سازمان تعزیرات جهت اقدامات بعدی و پیگیری اخذ

نتیجه اقدام طبق برنامه زمانی مصوب.

۱۰-۳- آموزش ماموران بازرسی و نظارت.

۱۱-۳- پیشنهاد ارقام کالا و خدمات جهت قیمت گذاری و نظارت.

۱۲-۳- بازرسی و نظارت بر تخلفات مذکور در قانون تعزیرات حکومتی در موارد ذیل:

۱-۱۲-۳- گرانفروشی

۲-۱۲-۳- کمفروشی و تقلب

۳-۱۲-۳- اختکار

۴-۱۲-۳- عرضه کالا خارج از شبکه توزیع تعیین شده

۵-۱۲-۳- اختفاء و امتناع از عرضه کالا

- ۳-۱۲-۶- عدم اجرای ضوابط قیمتگذاری و توزیع
- ۳-۱۲-۷- عدم اجرای تعهدات واردکنندگان و تولیدکنندگان
- ۳-۱۲-۸- نداشتن پروانه کسب
- ۳-۱۲-۹- نداشتن پروانه بهره‌برداری واحدهای تولیدی
- ۳-۱۲-۱۰- فروش ارزی - ریالی
- ۳-۱۲-۱۱- فروش اجباری کالا همراه کالای دیگر
- ۳-۱۲-۱۲- عدم اعلام موجودی
- ۳-۱۲-۱۳- سهل انگاری و عدم همکاری با ناظران و بازرسین.
- ۳-۱۳- نظارت بر امور مربوط به تخصیص ارز و گشایش اعتبار کالای مشمول و زمان بندی گشایش اعتبارات.
- ۳-۱۴- نظارت بر عملکرد کلیه مامورین و بازرسین سازمان و سازمان تعزیرات حکومتی و نیز دریافت شکایات مربوط به تخلفات آنان و اعلام به شعب ویژه رسیدگی به تخلفات.
- ۳-۱۵- پیشنهاد اصلاح و تکمیل آیین نامه اجرایی سازمان».

ج- طرح موضوع

- حال با عنایت به سوابق قانونگذاری مرتبط با موضوع طرح پیشنهادی و نیز با عطف توجه به مفاد طرح حاضر جای طرح چند سوال است.
- ۱- آیا طرح پیشنهادی راه حل مناسبی برای رفع معضلات موجود اقتصادی و عامل کنترل گرانی قیمت کالا و ارزاق عمومی و همچنین جلوگیری از احتکار می باشد یا خیر؟ آیا مجازاتهای پیش بینی شده در قوانین سابق از حجم اختلالات اقتصادی کاسته است؟
- ۲- آیا طرح پیشنهادی فاقد نقائص موجود در قوانین سابق التصویب در زمینه رفع معضلات اقتصادی کنونی می باشد یا خیر؟
- ۳- آیا با عنایت به روند اجرایی قوانین سابق التصویب، در حال حاضر، ضرورتی برای تصویب این قانون با وجود قوانین عدیده موجود در این خصوص وجود دارد یا خیر؟ و به تعبیر دیگر آیا تصویب قوانین متعدد تنها راه حل است؟

۲- اظهار نظر کارشناسی

ضرورت نظارت و کنترل قیمتها و فعالیتهای اقتصادی و نیز مقابله و به مجازات رساندن اخلاصگران اقتصادی که از طریق احتکار، گرانفروشی، کم فروشی، دسیسه و تقلب و ... موجب افزایش قیمت کالاها و کمیاب شدن ارزاق عمومی و کالاهای اساسی در جامعه می شوند امری است بدیهی و اجتناب ناپذیر که با اصول و سیاستهای کلی نظام اسلامی مطابقت تام داشته که می بایست این امر ضروری مورد توجه دست اندرکاران و سیاستگذاران کشور قرار گیرد و از طریق تصویب و اجرای قوانین منطقی و مطابق با مسائل و مشکلات کنونی، معضلات موجود در امور اقتصادی کشور کاملاً مرتفع گردد.

لیکن آنچه شایان توجه بوده و در این مقاله جای بحث و بررسی دارد طرح حاضر است که تحت

عنوان «طرح تثبیت قیمت‌ها و تشدید مجازات محترکان و گرانفروشان» است که با این هدف ارائه گردیده است. با عنایت به آنچه در مباحثهای مقدمه توجیهی و سابقه قانونگذاری عنوان گردید و نیز با عطف عنایت به مفاد طرح حاضر نکاتی شایان توجه است که ذیلاً بیان می‌گردد.

علی‌الاصول تجربه ثابت نموده است که تصویب قوانین متعدد در خصوص موضوعی خاص جز افزودن قطر مجموعه‌های قوانین و ایجاد تعارض بین قوانین مصوب و نهایتاً سردرگمی مسئولین اجرایی نفعی به دنبال نداشته و از این حیث این عمل معضلات عدیده‌ای را به وجود آورده است. و همانگونه که در بحث سابقه قانونگذاری با بیان تعدادی از قوانین موجود در خصوص مسئله محترکان و گرانفروشان و اخلالگران اقتصادی ملاحظه گردید از سال شصت و هفت تا کنون قوانین و ضوابط متعددی راجع به این موضوع به تصویب رسیده و در حال حاضر اجرا می‌گردد، که علی‌رغم این حجم گسترده قوانین و مقررات مصوب همچنان اخلالگران اقتصادی به کسب منافع پلید و سودجوییهای نامشروع خود ادامه داده، که ارائه طرح پیشنهادی خود گویاترین دلیل بر این واقعیت تلخ می‌باشد.

بنابراین به نظر می‌رسد اگر چه قوانین سابق التصویب و سازمانها و نهادهای ایجاد شده در راستای بررسی و نظارت بر اجرای این قوانین نیز کامل نبوده و هر یک دارای نقائص و کمبودهایی می‌باشد، اما راه حل مناسب برای مقابله با این مشکلات تصویب قوانین جدید نبوده و منطقی آن است که راه حل را در بخش اجرایی یعنی در نحوه اجرای قوانین مذکور و نهایتاً با اصلاح جزئی و موردی همان قوانین جستجو کرد. قطع نظر از مراتب گفته شده طرح پیشنهادی دارای نقاط ضعف و نقائصی است که متعاقباً بیان می‌گردد:

۱- عنوان طرح پیشنهادی عبارتست از «طرح تثبیت قیمت‌ها و تشدید مجازات محترکان و گرانفروشان». با توجه به آنچه به عنوان سابقه قانونگذاری عنوان گردیده و نیز بنابر مستنبط از الفاظ و عبارات به کار رفته در عنوان طرح مذکور به نظر می‌رسد که طرح پیشنهادی صرفاً ناظر بر عملکرد محترکان و گرانفروشان کالاها و ارزاق عمومی مورد نیاز افراد جامعه باید باشد، در حالی که با عنایت به مواد طرح مزبور ملاحظه می‌گردد که تعدادی از مواد آن خارج از حدود و صلاحیت عنوان طرح بوده و در واقع به صراحت می‌توان ادعا کرد که تطبیقی بین عنوان طرح با بعضی از مواد آن وجود ندارد. چرا که این قبیل مواد اغلب راجع به اموری از جمله، استاندارد، امور پزشکی و دارویی و ... است که راجع به هر یک عنوان خاص قانونی وجود دارد و اگر این مواد از جهت اصلاح یا تکمیل قوانین مذکور پیش بینی شده باشند بدیهی است که جای طرح این گونه مواد در طرح پیشنهادی نیست و می‌بایست به عنوان اصلاحیه همان قوانین در جهت تکمیل و یا رفع نقص آنها مطرح می‌گردید، نه به عنوان موادی نامرتبط با قانون پیشنهادی. چه این امر معضلات دیگری را در پی خواهد داشت که از آن جمله است دشواری دستیابی به مواد مذکور از روی عنوان نامرتبط خود. برخی از این موارد عبارتند از:

ماده ۷ که راجع به تولید کنندگان و واردات و صادرات می‌باشد و اشعار می‌دارد: «هر تولیدکننده، فروشنده، صادر و واردکننده کالا و خدمات عالماً و بدون عذر موجه مقررات دولتی و صنفی خود را رعایت ننماید به جزای نقدی تا ده میلیون ریال محکوم می‌گردد.»

ماده ۸ که همچون ماده ۷ راجع به نظام صنفی است و اشعار می‌دارد: «تولید کنندگان، وارد و صادرکنندگان کالا و خدمات که به تعهدات خود مربوط به امور مذکور عمل ننمایند به جزای نقدی از دو تا

بیست برابر ارزش ریالی کالا یا خدمات مربوطه و الزام به انجام آن محکوم می‌گردند.

ماده ۹ که اشعار می‌دارد: «هر کس متعهد به انجام کار و یا ارائه خدمتی به ازای دریافت اجرت مورد توافق شده باشد و بدون عذر موجه در مدت مقرر و با کیفیت مورد توافق انجام ندهد علاوه بر الزام به انجام تعهد و پرداخت خسارت وارده به جزای نقدی تا یک میلیون ریال محکوم می‌گردد».

ماده ۱۰ که مربوط به نظام صنفی است و اشعار می‌دارد: «کسانی که طبق قوانین و مقررات مربوطه موظف به داشتن پروانه جهت انجام کارهای تجاری، جنسی تولیدی، توزیعی، تعاونی خدماتی و بهداشتی و غیر آنها بوده‌اند بدون تحصیل پروانه مبادرت به انجام آن کارها نموده باشند به جزای نقدی تا ده میلیون ریال محکوم می‌گردند».

ماده ۱۱ که مربوط به امور صنفی است و اشعار می‌دارد: «هر شخصی که متعهد به دایر نمودن مراکز تولیدی، توزیعی، تجاری، صنفی، خدماتی و بهداشتی بوده و بدون عذر موجه آن را تعطیل نماید تا ده میلیون ریال جزای نقدی و بازگشایی محل محکوم می‌گردد و چنانچه محل مذکور برای تأمین نیازهای ضروری مردم باشد مرتکب به حداکثر مجازات محکوم خواهد شد».

ماده ۱۴ که مربوط به امور صنفی و استاندارد می‌باشد و اشعار می‌دارد: «هر کس در عرضه یا فروش کالا و خدمات خود اصول و موازین بهداشتی را که طبق مقررات مربوط موظف به انجام آن بوده رعایت ننماید به حبس تعزیری تا شش ماه و یا پرداخت جزای نقدی تا سه میلیون ریال محکوم می‌گردد. همچنین کسی که ملزم به رعایت اصول و موازین بهداشتی در تولید و تهیه کالا بوده و آن را نقض نموده باشد و یا مقررات استاندارد اجباری را رعایت ننماید به حبس تعزیری تا یک سال و یا جزای نقدی تا شش میلیون ریال و یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد».

ماده ۱۵ که اشعار می‌دارد: «هر گاه در نتیجه عدم رعایت بهداشت در مواد خوراکی، آشامیدنی، آرایشی و بهداشتی و نیز در نتیجه عدم رعایت مقررات استاندارد در کلیه موارد اجباری، مصرف اقلام مذکور موجب ابتلاء مصرف کننده به بیماری شود که مدت معالجه آن کمتر از دو ماه باشد، عرضه کننده و فروشنده به حبس تعزیری از ۶ ماه تا ۲ سال و تهیه کننده، سازنده و تولید کننده به حبس تعزیری از دو تا ده سال محکوم می‌گردد و ...»

ماده ۱۶ که راجع به امور استاندارد است و اشعار می‌دارد: «هر شخصی که مرتکب یکی از اعمال ذیل شود به حبس تعزیری از ۶ ماه تا ۲ سال یا پرداخت جزای نقدی از یک میلیون تا پنجاه میلیون ریال محکوم می‌گردد:

الف - تغییر مشخصات فرآورده‌های مشمول استاندارد پس از تولید یا ساخت و ...»

ماده ۱۷ که راجع به امور پزشکی است و اشعار می‌دارد: «مرتکبین تخلفات ذیل به پرداخت جزای نقدی از سه میلیون تا شش میلیون ریال یا ۶ ماه تا یک سال حبس و یا هر دو مجازات محکوم می‌گردند:

الف - ایجاد مؤسسات پزشکی غیر مجاز توسط افراد فاقد صلاحیت ...»

بندهای یک، سه، هفت، ده، یازده ماده ۱۸ که راجع به امور پزشکی است و اشعار می‌دارند: «یک - ارائه خدمات پزشکی مازاد بر احتیاج به قصد سوء استفاده.

عرضه دارو بدون حضور مسئول فنی یا بدون نسخه پزشکی در خصوص داروهایی که باید با نسخه پزشک تحویل شود.

عرضه بدون تاریخ یا تاریخ منقضی کالاهاى مذکور.

توليد کالاهاى مذکور و مواد خوردنى و آشاميدنى بدون مجوز يا بدون حضور مسئول فنى.

عرضه مواد خوردنى، آشاميدنى و ساير کالاهاى غير بهداشتى».

ماده ۲۵ که در فصل دوم طرح پيشنهادهى تحت عنوان دسيسه و تقلب در کسب و تجارت احصاء گردیده. و راجع به تقلب و تدیس در امر تجارت است و اشعار می دارد: «رقابت فریبکارانه ممنوع است و مرتکب به حبس از سه تا شش ماه و جزای نقدی از یکصد هزار تا دویست هزار ریال یا یکی از این دو مجازات محکوم می شود...»

ماده ۲۶ که راجع است به جعل علامت تجاری و اشعار می دارد: «هر کس علامت تجاری ثبت شده در ایران را عالمأ جعل کند یا با علم به مجعول بودن، استعمال نماید یا در روی اوراق و اعلانات یا روی محصولات قرار دهد یا... به نحوی که موجب فریب مشتری شود به سه ماه تا سه سال حبس و جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا هجده میلیون ریال و جبران خسارت وارده به متضرر محکوم خواهد شد».

ماده ۲۷ که راجع به امور صادرات و واردات کالا است و اشعار می دارد: «هر کس عالمأ و عامداً محصولی را که دارای علامت خارجی مجعول یا تقلیدی بوده یا دارای علامتی است که به ناحق استعمال شده است از ایران صادر و یا به کشور وارد کند به حبس از ۶ ماه تا سه سال محکوم می شود».

ماده ۲۸ که راجع به امر استاندارد است و اشعار می دارد: «اشخاص ذیل به حبس از سه تا ۶ ماه حبس یا جزای نقدی معادل یک میلیون و پانصد هزار تا سه میلیون ریال محکوم خواهند شد».

الف - هر کس علامت اجباری را در روی محصولی که اجباراً باید دارای آن علامت باشد استعمال نکند.

ب - هر کس عالمأ محصولی را به فروش گذاشته یا بفروشد که دارای علامتی نباشد که برای آن محصول اجباری است».

ماده ۲۹ که راجع به حق افتراح است و اشعار می دارد: «هر کس به مناسبت مقام فنی یا اداری یا به اعتبار مقام امانت داری خود از اسرار راجع به افتراح یا طرز اجرای افتراعی یا طرحهایی که برای دریافت موافقت اصولی تهیه می گردد مطلع شده باشد و آن را افشا یا به طریق دیگری سوء استفاده نماید به حبس از یک تا سه سال محکوم خواهد شد».

۴- یکی از علتهاى ارائه طرح پيشنهادهى نقائص موجود در قوانين سابق التصويب از جمله قانون تشديد مجازات محترکان و گرانفروشان مصوب ۱۳۶۷/۱/۲۳ بوده که قانون مذکور پاسخگوی مشکلات جامعه نبوده و اقلام عمده احتکار از قبیل ارزاق عمومی غیر از موارد پنجگانه (گندم، جو، کشمش، خرما، روغن حیوانی و نباتی) را شامل نمی شود. طرح پيشنهادهى نیز به پیروی از همان قانون و سکوت و اجمالی که در آن قانون وجود داشته در ماده ۳ خود همان مفاد را با کمی تغییر در الفاظ و عبارات تصریح نموده است. این ماده اشعار می دارد: «هر کس ارزاق مورد نیاز و ضروری عامه مردم را که عبارتست از گندم، جو، کشمش، خرما، روغن خوراکی را با فرض کمبود آنها در بازار به قصد افزایش قیمت جمع و نگهداری نماید محترک محسوب می گردد و علاوه بر الزام به فروش کالا به قیمت مصوب به ۲۰ تا ۷۴ ضربه شلاق و پرداخت جزای نقدی از دو تا ده برابر قیمت کالای احتکار شده محکوم می گردد».

نکته شایان توجه دیگر در مقایسه میزان مجازات محکومان موضوع ماده فوق با میزان مجازات محکومان موضوع قانون سال ۶۷ است که در قانون اخیر الذکر میزان شلاق به صورت ثابت و بدون در نظر گرفتن حداقلی برای آن ۷۴ ضربه تعیین گردیده بود در حالی که ماده ۳ طرح پیشنهادی در مقام تشدید مجازات این گونه افراد با در نظر گرفتن حداقل ۲۰ ضربه شلاق و حداکثر ۷۴ ضربه شلاق برای محکومان در واقع دست حاکم را بروی تخفیف مجازات باز گذاشته و عملاً مجازات این قبیل متخلفین را تخفیف داده نه تشدید.

۳- ارائه کنندگان طرح پیشنهادی در جهت رفع معضل قانون سال ۶۷ و همچنین تکمیل ماده ۳ طرح مزبور در ماده چهار سعی نموده اند که با احصای عبارات «هر کس غیر از کالاهای مذکور در ماده قبل، کالا و اجناس مورد نیاز عموم را با فرض کمبود آنها در بازار به قصد افزایش قیمت مخفی نموده یا از فروش آن امتناع نماید در حکم محکوم محسوب و علاوه بر الزام به فروش کالا به قیمت مصوب به ۲۰ تا ۷۴ ضربه شلاق و پرداخت جزای نقدی از یک برابر قیمت کالای مورد تخلف تا پنج برابر آن محکوم می گردد». از نقص قانون بکاهند. در حالی که ایراداتی بر این منطوق وارد است چه عملاً ملاحظه می گردد که علی رغم اینکه در شرح انور از کالاهای پنج گانه به عنوان ارزاق عمومی نام برده شده است لیکن امروزه چه بسا کالا و اقلامی که ضرورت آنها برای افراد جامعه بسیار با اهمیت تر از کشمش و خرما و ... است. در حالی که مجازات محکومان کالاهای پنجگانه فوق الذکر بیش از میزان مجازات محکومان کالاهایی است که عملاً جز ارزاق عمومی و کالاهای اساسی مورد نیاز افراد جامعه هستند و این هیچ منطوق و استدلالی توجیه پذیر نیست. البته بدیهی است فقهای معظم با تبیین موضوع در شرایط حاضر، راه حل فقه آن را بررسی و اعلام نمایند.

از سوی دیگر، قید دیگری به عنوان شرایط احراز مصادیق ماده ۴ در متن ماده مذکور بیان گردیده که بدور از منطوق و جاهت می باشد. در متن ماده مرقوم آمده است «... با فرض کمبود آنها در بازار...» در واقع یکی از شرایط اجرای مفاد ماده ۴ این است که کالاهای موضوع این ماده (که عبارتند از اقلام مورد نیاز جز موارد پنجگانه فوق الذکر) در بازار کمیاب باشند تا بتوان به مفاد این ماده استناد و عمل نمود. از مفهوم مخالف آن چنین استنباط می شود که ارائه کنندگان طرح مزبور در صورتی که کالاهای موضوع این ماده در بازار به وفور یافت شوند احتکار این گونه اقلام را مجاز دانسته در حالی که یکی از وظایف قانونگذاری صحیح و پیشگیری از معضلات محتمل الحصول آتی است نه اینکه قانون خود معزی برای متخلفان و سودجویان باشد. و این امر خود ایرادی به واقع قابل توجه به طرح مزبور است. مضافاً آنکه تشخیص کمبود و کیفیت کمبود کالا بحثی موردی است و موجب اختلاف تفسیر دادگاه ها و در نتیجه اختلاف در آرای محاکم می شود.

۴- طرح پیشنهادی در ماده پنجم خود به گرانفروشی پرداخته و مجازات این اخلاصگری را به صورت ۲۰ تا ۷۴ ضربه شلاق و پرداخت جزای نقدی از ۲ تا ۱۰ برابر قیمت کالای مورد تخلف احصا نموده است. در حالی که با ملاحظه سایر قوانین در این خصوص از جمله قانون مجازات اخلاصگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۶۹/۹/۱۹ ملاحظه می گردد که مجازات این گونه افراد نسبت به قوانین سابق نه تنها تشدید نشده بلکه تا حدودی نیز تخفیف یافته است بدین توضیح که ماده یک قانون مجازات اخلاصگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۶۹/۹/۱۹ تصریح می کند که «ارتکاب هر یک از اعمال مذکور در بندهای ذیل جرم محسوب

می‌شود و مرتکب به مجازات‌های مقرر در این قانون محکوم می‌شود» و متعاقباً در بند ب اشعار می‌دارد «اخلال در امر توزیع، مایحتاج عمومی از طریق گرانفروشی کلان ارزاق یا سایر نیازمندیهای عمومی و...» و در ماده دوم خود مجازات این گونه افراد را احصا نموده است. ماده دوم اشعار می‌دارد «هر یک از اعمال مذکور در بندهای ماده یک چنانچه به قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران و یا به قصد مقابله با آن و یا با علم به مؤثر بودن اقدام در مقابله با نظام مزبور چنانچه در حد فساد فی الارض باشد مرتکب به اعدام و در غیر این صورت به حبس از پنجسال تا بیست سال محکوم می‌شود و در هر دو صورت دادگاه به عنوان جزای مالی به ضبط کلیه اموالی که از طریق خلاف قانون به دست آمده باشد حکم خواهد داد. دادگاه می‌تواند علاوه بر جریمه مالی و حبس، مرتکب را به ۲۰ تا ۷۴ ضربه شلاق در انظار عموم محکوم نماید». همچنین در قانون تعزیرات حکومتی نیز موادی به گرانفروشی اختصاص یافته است. این قانون در ماده دوم خود پس از ارائه تعریفی از گرانفروشی، تعزیرات این اخلالگری را بر اساس میزان و مراتب تخلف احصا نموده است که با جمع دو قانون اخیر الذکر (یعنی قانون مجازات اخلالگری در نظام اقتصادی کشور مصوب ۶۹/۹/۱۹ و قانون تعزیرات حکومتی) به نظر می‌رسد مشکل قانونی برای تعزیر و به مجازات رساندن محتکران و گرانفروشان وجود نداشته باشد.

۵- ماده ششم طرح پیشنهادی نیز با کمی تفاوت در الفاظ و عبارات تقریباً همان ماده ۵ قانون تشدید مجازات محتکران و گرانفروشان سال ۶۷ است که نظر به تفصیل مجازات این قبیل متخلفان که در قانون سال ۶۷ احصا گردیده، در مقایسه با طرح پیشنهادی، طرح مزبور شکلی خلاصه شده از همان ماده قانون سال ۶۷ است.

بنابراین و با توجه به مجموعه مطالب عنوان شده و نیز نظر به اینکه طرح پیشنهادی مخلوطی از چند قانون غیر مرتبط با موضوع و چند قانون مرتبط سابق التصویب در خصوص موضوع می‌باشد ضرورتی به درج هیچیک از آنها به جز دو سه ماده در حال حاضر احساس نمی‌شود و این امر تا حد زیادی به گنگی و ابهام انگیزه ارائه چنین طرحی می‌افزاید لذا چنین به نظر می‌رسد که طرح پیشنهادی در حال حاضر به کیفیت مطروح ضرورتی برای تصویب ندارد.

پیشنهادهای

۱- با توجه به وجود قوانین لازم در حال حاضر، نیازی به تصویب طرح حاضر ملاحظه نمی‌گردد. پیشنهاد می‌شود رفع معضلات اقتصادی کنونی و جلوگیری از اخلالگریهای اقتصادی از طریق اجرای صحیح و کامل قوانین موجود و نظارت صحیح بر نحوه اجرای آنها پیگیری شود.

۲- مشکل گرانفروشی و احتکار به عنوان مشکل اقتصادی وجود دارد. بدیهی است مشکلات اقتصادی نیاز به راه حل اقتصادی دارد. با تصویب قوانین جدید و تعیین مجازات نمی‌توان به کنترل جرم امیدوار بود. مضافاً آنکه گستردگی ارتکاب گرانفروشی و احتکار چنان وسیع است که اعمال مجازات را در اکثر موارد با تردید مواجه می‌سازد. بدیهی است تصویب قانونی که قابلیت اجرا نداشته باشد خود از عوامل شیوع ارتکاب جرائم است.